



میهن بهرامی

# «بل ودر»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و آنموقع هر گز نه ب فکر گردن بند بود و نه گردن :

دیدار از این قصر قدیمی ، همواره مرابه خیالی غم انگیز میبرد .

«بل ودر» در امتداد خیابان «پرنس

اوژن» در گوشه جنوب شرقی وین و نزدیک

موزه هنر های مدرن و پارک ملی است. و

همچون باغی افسانه ای سبز و خیال انگیز

است. «بل ودر» دو مجموعه ساختمان عظیم

سنگی است که در دو جهت باغستان گسترده ای

قرار گرفته . در ساختمان شمالی که يك طبقه و

عبارت از سالن های تودرتوست، آثار هنری

سبك تر ، از نقاشی و مجسمه های تزئینی کاخ

گردآوری شده ودر ساختمان جنوبی که در

به طبقه و بر فراز تپه وسیعی ساخته شده، موزه

قرار دارد .

«بل ودر» قصری است بسبك قصورآلمانی

و از سبك مرمر سخت مات ، قصری است که

سالمتهائی وجود دارد که خودبه تنهایی میتواند، موزه ای باشد و این قضاوت من هنگامی است که هنوز موزه هنر های معاصر در تهران گشایش نیافته بود. در مقایسه با این موزه فقیر هتل هف، آن تالارها، ابر موزه خواهد بود .

\*\*\*

«بل ودر» را بخاطر جنبه های انتخاب

کرده ام :

برای آنکه آنجا قصر و باغستانهائی بوده

است که امپراطوران گذشته اطریش در دوران

عظمت خود بعنوان يك اقامتگاه بیلاقی انتخاب

کرده بودند ودر چمن زارهای بلند مشرف بر

شهر آن ، در کنار حوضهای کوچک سنگی و

مجسمه های مرمری و آلاچیق و باغچه سرراهی

«ماری آنتوانت» کوچک ، بی خبر از سرنوشتی

که در کنارش بود ، دامن بلندش را جمع

می کرد و دنبال پرواندها و قمری ها می دوید،

از میان چند موزه معتبر که در وین دیده ام ، «کانشس توریستیش میوزیوم» را که در میدان بازار مکاره و روبروی موزه تاریخ طبیعی و در امتداد خیابان «اپرنرینک» قرار دارد ، کنار می گذارم . این موزه را چهار بار ، و با دقت و حیرت دیده ام و به همین دلیل اعتقاد دارم که نه در سلسله مقالاتی، که در کتابی مفصل هم ، قابل توصیف و توضیح نیست .

«کانشس توریستیش» در نوع خود -

در شمار موزه هنر های زیبای مونیخ و شمال

گالری لندن - معتبرترین و پر اثرترین موزه

هنر نقاشی اروپاست و دانشکده ای واقعی در

دیدار و شناخت سیطره شگفت انگیز هنر

نقاشی غرب .

در این موزه ، از اولین نمونه های

سبك «فلاماند» و از نخستین طرحها و اتودها،

تا آخرین شاهکار های رامبراند و روبنس ،

سررا و راهروها و سالنهای را با گچ بری و نقاشی و مجسمه زینت دادند، و از دو سال پیش به طبقه آنرا به قسمت های مجزائی از مسیر تاریخ نقاشی جهان تقسیم کرده اند: طبقه اول، مخصوص نقاشان اطریشی، آلمانی و استادان سبک «فلمینک» است.

طبقه دوم اختصاص به نقاشان کلاسیک و امپرسیونیست و نشوآمپرسیونیست و ناتورالیست و پوآن چوآلیست جهان دارد و طبقه سوم، مخصوص هنر نقاشی نواست و آثاری از نقاشان اطریش و آلمان و سوپر رالیست ها اکسپرسیونیست ها و مدرنیست های مشهور اروپا در آن گردآمده.

شاید زیبایی سالن های روشنی که پنجره های باز بسوی باغچه سراها و دریاچه پارک «بل ودر» دارند، شاید تالو هزاران ستاره بلور بردیوار و سقف ها و شاید هوای خوش سلیقه ای والا در تنظیم و گردآوری و کنار هم قرار دادن صدها شاهکار با توازن و تناسب کم نظیر قاب نابلوها که خود هنری بشمارند، «بل ودر» را بصورت موزه ای استثنائی در تمامی جهان در آورده.

در اینجا می بینید که هنرمندان واقعی، که آن هنرمندان ناب که اینک در غوغای گرفتار کننده زمان ما، مجال تولد و ظهور نمی یابند چگونه در خلوتی نایاب، در خلوصی نایاب تر، در جهانی مستثنی و در طرز تفکر و آموزشی استثنائی، همچون زنبوری در حفره دنیائی شگرف و واقعی خزیده اند و عصاره پژوهشی ژرف و سترک را در این کندوی شکرین گرد آورده اند، آنها چگونه در زمانی بی وسایل، از خویش وسیله ساخته اند و راحت و درست کار کرده اند و این تابلوها - تابلوهائی در بعضی موارد، باندازه یک کف دست - اما سرشار از روح و معنا همچون یک شعر ناب، حاصل این گوشائی است.

نقاشانی نه چندان بانام - شاید بین ما - نقاشانی استاد در سبک خویش که با نقاشی با معنای خالص آن سروکار داشته اند، نقاشانی نه شتاب زده برای برگزاری نمایشگاه و شکار مشتری و راضی نگاهداشتن دلال.

نقاشان فلاماند، از اولین و اختصاصی - ترین کاراکتر های هنری نقاشی اروپا بوده اند. نقاشان فلاماند، همچنین پرتأثیرترین کارگزاران تاریخ هنر نقاشی اروپا بشمار می آیند. در میان ایشان نقاشانی مثل «استاد» «فردیناند والدمولر»، «رین هولدر» و بسیاری دیگر در نگاه به طبیعت و جهان اتحادی یگانه دارند و با اینکه مبدع سبکی تازه در هنر نقاشی نبوده اند، بمعنای کامل کلمه، استادند و در این راه، به نقاشی، از نظر فن و هنر آن همانگونه نگریسته اند که در کار نوابغی مثل روبنس

و رامبراند دیده ایم. تفسیر نگاه ایندسته از نقاشان، بیان واقعیتی بسیار ساده در شکل و پیچیده در تاثیر و مفهوم است.

هنر نقاشی در این دوره از کار، دارای غنا و گستردگی چند جانبه ای بوده است که از یکسو به باز سازی طبیعت و خلق «کمپوزیسیون» از طبیعت بیجان و اشیاء رسیده و از سویی دیگر در شمایل آدمی و در عروج سایه و نور بقله ای رسیده است که فراتر از آن ممکن نیست. بین نقاش ساده و مسلطی مثل «استاد» و نوابغی مثل «رامبراند» تفاوت فقط در قضاوت است.

استاد به زیبایی سیال و ساکنی که بتواند ساعتها بیننده را جذب کند و در خستگی های روح او انگیزه های بیداری خوش آیند و امید دهنده ای باشد، بعنوان یک روش تعالی دهنده، فکر می کند. اما رامبراند کسی است که به گوش بیننده فریاد می کشد، فریاد او هشدار می دهد در هجو، سرزنش، بازخواهی آنچه که فراموش شده و حتی تحقیر رامبراند در عالم نقاشی، سقراط است در دنیای تفکر. اما سبک «فلاماند» از همان اولین کارهای مینیاتوریک مذهبی، تا ظهور نقاشی مانند «کلیمت» حیثیت و غنای خیره کننده ای دارد و در آثار نقاشان بزرگی مثل وان دایک، روبنس و رامبراند، باوجی کامل رسیده است.

اما آنچه در مجموعه عظیم این سبک پایا و گسترده و تأثیر گذار است، وحدتی است که در یک نقطه معین و در کار همه هنرمندان این مکتب موجود است و این وحدت، هدف است. هدفی که فرهنگ هنری غرب بر آن متکی است، هدفی که فراراه یک کوشش سیستماتیک و مستمر قرار گرفته و هنرمندان موفق، ز هر نقطه ای که آغاز کرده، جز به آن نگرویده و نیندیشیده است.

در سومین و آخرین طبقه، سالن های بزرگی اختصاص به هنر بیست دارد، کارهائی از کاندینسکی، کلی، دالی، تانگی، کلیمت و حتی پیکاسو و اینها در شمار موفقها هستند و همان نقطه معهود بیش و کم در نظرشان بوده است. در این قسمت گاه، به آثاری از نقاشان معاصر و مدرنیستی هم «برمی خوریم» که باوجود آلودگی به هواهای مسموم دورین تازه، هنوز دمی بهشتی دارند مثل «کلیمت» و گاه هنرمندی اگر چه با چشم شیطان، آنچنان قوی و چابک دست است که بیننده را در قضاوت و در جاذبه، مغلوب می کند این چشم شوخ شیطان کار، از آن دالی است.

اما در طبقه دوم که مروری بر گذشته و عصر تازه گذشته جهان است، موزه «بل ودر» صاحب یکی از پر ارزش ترین گنجینه های نقاشی روسیه است که در میان موزه های مشابه،

کم نظیر می نماید در این طبقه، تالارهای اختصاصی از «شیشکین»، «رین» و نقاشان جدیدتر قرار دارد و در میان آثار متعدد این نقاشان، اختصاصات سبک و نظر استادان روسی قابل تامل است.

نقاشان روسیه، تا قبل از انقلاب با نظری مومن و وسواس آمیز، محکم و فنی، به دنیا نگریسته اند و در آثار دوره جدیدتر نمونه های شگفت انگیزی از مکتب امپرسیونیسم وجود دارد که تفاوت هائی اصولی در انتخاب زاویه دید و غلبه رنگ و کمپوزیسیون با مکتب امپرسیونیسم نقاشان اروپا دارد. اما انقلاب کار هنرمندان را بیچاره دگرگون ساخته است.

انقلاب سیاسی روسیه در کار هنر نقاشی - در نمونه هائی که در «بل ودر» موجود است - فن را یکسره تهی از اعتقاد ساخته است. کارهای پس از انقلاب اکثر نقاشان، تنها تصویر است با محتوائی مستعمل و معمولی و از فلسفه و تفکری هنرمندانه تهی است. انگار ایندسته نقاشان در اداره نقاشی کار میکردند و بیکبار دیگر، پا برهنه بر کف چوبی و سرد سالنها می گردم و آنقدر که چشم باری می دهند و باهام تاب می آورد - این بار باشتاب - موزه را دور میزنم، در این دیدار دوباره، این ششمین بار است که «بل ودر» را می بینم.

پله های قدیمی، سنگی و سرد و ساده است، سازمان نشر و فروش موزه بخلاف همسجا که تا بحال دیده ام. بی حوصله و ناقص و مختصر است. از این مجموعه عظیم چاپهای خوب و کتاب خوب ندارند. چاپ اسلاید و فیلمشان هم تعریفی ندارد. بل ودر فقط باید در حافظه و قلب بیننده بماند.

از مهتابی قصر، سراسیمه سبز و مه آلود چمن که دریاچه را با مهربانی بر سینه نهاده پیداست، شهر آن پائین، آن دورترها در مهی خاکستری خواب آلود و ساکن بنظر می آید. در خیالم، آرزوهائی خفته و خسته بر میخورد. پله ها را تمام می کنم، چمن بزرگی از کنار شمشادها، تا آنسوی دیوار پیش می آید. گفته ای بیادم می آید و فکر میکنم که فهمیدن معنای آن به این خستگی غم انگیز می آرد:

«برگمان» در مصاحبه با خبرنگاری که از حد آرزوهای او، از نقشه ها و اندیشه های او، پس از خلق شاهکارهائی چون «مهر هفتم» و «فریاد و نجواها» پرسیده است، جواب داده:

«دلهم می خواست، بجای یکی از آنها می بودم که گمنام و کوشا، در ساختمان کلیسا های گوتیک اروپا، شرکت داشتند.»